

بررسی فقهی کارمزد تسهیلات قرض الحسنه

مهدی طغیانی^۱

فاطمه صادق‌پور^۲

ابراهیم زرینی^۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۲۵

چکیده

دین اسلام، مؤمنان را به مشارکت و تعاون در کارهای خیر و نیکی، دعوت کرده است و از میان کارهای نیکی به قرض الحسنه تاکید فراوانی داشته است. به گونه‌ای که قرض الحسنه (قرض غیرربوی و بدون اجر و مزد) به دیگران را معادل با قرض به خداوند دانسته است و پاداش فراوانی برای آن نهاده است. قرض الحسنه از ارکان الگوی اسلامی_ ایرانی پیشرفت است. از این رو، ضرورت دارد که سیاست‌گذاران اقتصادی ایران برای تحقق الگوی اسلامی_ ایرانی پیشرفت، قرض الحسنه را تسهیل کنند و زمینه‌های آن را فراهم کنند تا این سنت حسنه در اقتصاد ایران رایج شود و نیازهای معیشتی افراد نیازمند، با مشارکت مردم خیرخواه برطرف شود و نابرابری اقتصادی در اقتصاد ایران کمتر شود. همچنین ضرورت دارد که اقتصاددانان ایرانی نیز برای رواج قرض الحسنه درباره مسایل آن، چون عوامل مؤثر بر افزایش سپرده‌های قرض الحسنه و اموری از این دست به تأمل و تفکر بپردازند تا الگوی قرض الحسنه به عنوان الگوی جانشین قرض‌های ربوی در اقتصاد جهان معرفی شود و اقتصاد ایران گامی به جلو برای تحقق اقتصاد اسلامی بردارد.

یکی از مسایل قرض الحسنه، جواز و عدم جواز اخذ کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه است. هدف این مقاله بررسی فقهی اخذ کارمزد بر تسهیلات قرض الحسنه است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی، ابتدا جایگاه قرض الحسنه در آیات و روایات را بررسی کردیم و سپس کارمزد تسهیلات قرض الحسنه را از منظر فقهی، مورد بررسی قرار دادیم و با تقسیم بندی فقیهان شیعه به دو گروه موافق و مخالف اخذ کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه، استدلال فقهی جدیدی برای جواز اخذ کارمزد بر تسهیلات قرض الحسنه آورده شده است و سپس برای احیاء سنت حسنه ی قرض الحسنه در اقتصاد ایران مدلی پیشنهاد دادیم.

واژگان کلیدی: کارمزد، قرض الحسنه، بانکداری بدون ربا

طبقه‌بندی JEL: E4, G24, E5

۱. استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.

۲. کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه اصفهان.

۳. مربی دانشکده اقتصاد دانشگاه پیام نور نور آباد

مقدمه

قرض ربوی در دین اسلام حرام است. هر قرضی که منفعتی برای قرض‌دهنده به دنبال داشته باشد و این منفعت از پیش شرط شده باشد قرض ربوی است (موسویان، ۱۳۸۷، ص ۵۸). بنابراین بنا بر شرع اسلام نباید از مال قرض داده شده سودی دریافت شود. دین اسلام قرض‌الحسنه را به‌عنوان جایگزین قرض ربوی معرفی کرده است. با توجه به اهمیت حوزه بانکی در ایفای نقش واسطه‌ای در فعالیت‌های اقتصادی و ضرورت اجرائ احکام اسلامی در بخش بانکداری، در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اقتصاد ایران، طرح اسلامی شدن نظام بانکی مطرح شد و شورای انقلاب، قانون ملی شدن بانک‌ها را به تصویب رساند. در نظام اقتصاد اسلامی برای کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد، علاوه بر مالیات‌های اسلامی، بر انفاق فقرا تأکید شده که یکی از این انفاق‌ها قرض‌الحسنه می‌باشد. قرض‌الحسنه کاربرد غیرانتفاعی دارد و از ابزارهای حمایتی به افراد نیازمند است و می‌تواند انباشت سرمایه در دست ثروتمندان و فاصله طبقاتی در جامعه را کاهش دهد و توزیع درآمد در جامعه را بهبود بخشد. (هدایتی، ۱۳۷۰، ص ۶۸) در سیستم بانکداری اسلامی از قرارداد قرض‌الحسنه در تجهیز و تخصیص منابع استفاده می‌شود، به این صورت که در طرف تجهیز منابع، سپرده‌های پس‌انداز و سپرده‌های جاری، بر اساس قرارداد قرض‌الحسنه به گونه‌ای طراحی می‌شوند که در این چارچوب، سپرده‌گذاران در قالب قرارداد قرض بدون زیاده، مالکیت وجوه خود را به بانک منتقل می‌کنند و تا مدتی که این وجوه در بانک قرار دارد، مالکیت آن وجوه نیز در اختیار بانک است. بانک‌ها به‌عنوان واسطه مالی در انجام فعالیت مربوط به تسهیلات قرض‌الحسنه در گرفتن وجوه و نگهداری آن و دادن وجوه به متقاضیان قرض متحمل هزینه‌هایی می‌شوند. بنابراین بررسی جواز و عدم جواز اخذ کارمزد از تسهیلات قرض‌الحسنه برای جبران هزینه‌های بانک اهمیت به‌سزایی در بانکداری اسلامی دارد. با توجه به قانون بانکداری بدون ربا و بیان قانون‌گذاران از طراحی رابطه میان سپرده‌گذاران سپرده‌های دیداری و پس‌انداز با بانک‌ها بر اساس عقد قرض‌الحسنه، هدف از بانکداری اسلامی، سودآوری بانک‌ها نمی‌باشد؛ بلکه بانک‌ها صرفاً واسطه‌ای میان سپرده‌گذاران و نیازمندی هستند که این تسهیلات را تقاضا می‌کنند و در این چارچوب وظیفه‌ای جز واسطه‌گری میان دو گروه تقاضاکننده و عرضه‌کننده این وجوه را ندارند و برای انجام این نوع از خدمات واسطه‌گری و جبران هزینه‌های خود مجاز به دریافت کارمزد متناسب با حدودی که قانون‌گذار تعیین کرده است را می‌باشند.^۱ حال با توجه به گذشت حدود سی سال از تصویب و اجراء قانون بانکداری بدون ربا و عملکرد ضعیف بانک‌ها در جذب این نوع از سپرده‌ها در طول سالیان متوالی،

۱. قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

بازنگری در این قانون و ارائه مدل جامع‌تر، به روز و کارآمد برای قرض الحسنه امری اجتناب‌ناپذیر است. لذا در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی، ضمن بیان اهمیت قرض‌الحسنه در آیات و روایات اسلامی و معرفی دیدگاه‌های مختلف پاره‌ای از فقیهان شیعه در خصوص چگونگی نحوه‌ی اخذ کارمزد از تسهیلات قرض‌الحسنه، استدلال فقهی جدیدی بر جواز اخذ کارمزد از تسهیلات قرض‌الحسنه را تقویت آوردیم و برای چگونگی اخذ کارمزد بر تسهیلات قرض‌الحسنه مدلی را پیشنهاد می‌کنیم.

قرض‌الحسنه در قانون بانکداری بدون ربا

در قانون بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، توجه خاصی به قرض‌الحسنه شده است و از این قرارداد در تجهیز و تخصیص منابع استفاده شده است. در طرف تجهیز منابع، سپرده‌های پس‌انداز و سپرده‌های جاری، بر اساس قرارداد قرض‌الحسنه طراحی شده‌اند. در این چارچوب، سپرده‌گذاران در قالب قرارداد قرض بدون زیاده، مالکیت وجوه خود را به بانک منتقل می‌کنند و تا مدتی که این وجوه در بانک قرار دارد، مالکیت آن‌ها نیز در اختیار بانک است.

قرض به مالی گفته می‌شود که انسان به شرط رد و بدل کردن، آن را به دیگری می‌پردازد و از آن جا که رابطه‌ی خود را با آن مال از بین می‌برد آن را قرض گفته‌اند. قرض در قرآن به همه‌ی اعمال نیک، اعم از خدمات مالی یا بدنی که در راه خدا انجام شود، گفته می‌شود و از این رو با تقید به حسن به قرضاً حسناً تعبیر شده است و مقصود از آن، پاک‌ی مال و عمل وسیله قصد قربت و حسن نیت بی هیچ منت و آزار و بدون پشیمانی است. (جمشیدی، ۱۳۹۱، ص ۸۵)

بر اساس ماده ۱۵ آیین‌نامه‌ی فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا " قرض‌الحسنه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین (قرض دهنده) مقداری معین از مال خود را به طرف دیگر (قرض گیرنده) تملیک می‌کند که قرض‌گیرنده مثل یا در صورت عدم امکان قیمت آن را به قرض‌دهنده باید رد نماید". (هدایتی، ۱۳۷۰، ص ۶۹). در ماده یک دستورالعمل اجرایی، قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌ها، قرض‌الحسنه چنین تعریف شده است: قرض‌الحسنه عقدی است که به موجب آن بانک‌ها (به عنوان قرض دهنده) مبلغ معینی را طبق ضوابط مقرر به اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی (به عنوان قرض گیرنده) به قرض واگذار می‌کنند. (همان، ص ۸۵). به موجب ماده ۶۴۸ قانون مدنی: قرض عقدی است که به موجب آن احد از طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم‌الرد را بدهد. (هدایتی، ۱۳۷۰، ص ۶۸)

از نظر حقوقی، عنصر اصلی قرض‌الحسنه را قرض یا دین تشکیل می‌دهد که هر دو یک مطلب

را بیان می‌نماید. که هر دو یک مطلب را بیان می‌نماید. اما دین جنبه منفی تعهد و قایم به مدیون یا متعهد و قرض (طلب) جنبه مثبت تعهد و قایم به دائن یا متعهد له است. بنابراین قرض الحسنه با اعانه یا صدقه یا انفاق مفهوم مشابهی ندارد و بازپرداخت وام دریافتی عنصر اصلی آن است. در قرض الحسنه، رابطه بین مقرض و مقترض رابطه ی دائن و مدیون است و دین بر ذمه مقترض قرار دارد. قرض الحسنه عقد لازم است و از این رو مقرض نمی‌تواند قبل از انقضاء مدت قرض، طلب خود را مطالبه کند (همان، ص ۶۹).

طبق ماده ۱۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها موظفاند برای تحقق اهداف بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی، بخشی از منابع خود را از طریق قرض الحسنه، به متقاضیان اختصاص دهند.

هدف از قرض الحسنه

به موجب قانون بانکداری بدون ربا، عمده نیازهای مالی متقاضیان از طریق معاملات و قراردادهای تجاری تامین می‌گردد. تنها در یک مورد به موجب قانون مذکور و با الهام از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بانک‌ها مجاز به اعطای وام به صورت وجه نقد به متقاضیان گردیده که آن هم به صورت قرض الحسنه اعطایی و در احتراز کامل از ربا صورت می‌گیرد. هدف قرض الحسنه، تامین نسبی نیازهای ضروری و عمومی افراد جامعه به صورت تسهیلات غیر تجاری و بدون انتظار سود است که فارغ از سود محض اقتصادی است. قرض الحسنه به آن دسته از افراد جامعه که بضاعت اقتصادی کافی برای تامین نیازهای عمومی و ضروری خود ندارند، قدرت مالی نسبی ایجاد می‌کند. (هدایتی، ۱۳۷۰، ص ۶۹).

موارد اعطای قرض الحسنه

به موجب ماده ۱۶ از آیین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، موارد اعطای قرض الحسنه به شرح زیر تعیین گردیده است:

الف- تامین وسایل و ابزار و سایر امکانات لازم در شکل تعاونی، به منظور ایجاد کار برای کسانی که این گونه امکانات را ندارند.

ب- کمک به امر افزایش تولید با تاکید بر تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی.

ج- رفع احتیاجات ضروری.

به موجب ماده ۲ دستورالعمل اجرایی قرض الحسنه اعطایی بانکی مصوب شورای پول و اعتبار، قرض الحسنه در موارد زیر مجاز است:

الف - به شرکت‌های تعاونی به منظور ایجاد کار
ب- به کارگاه‌های و واحدهای تولیدی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور کمک به امر
افزایش تولید در موارد زیر:

- ۱- جلوگیری از توقف و یا راه‌اندازی کارگاه‌ها و یا واحدهای تولیدی
 - ۲- توسعه و یا ایجاد کارگاه‌های و واحدهای تولیدی در شهرهای کوچک و روستاها
 - ۳- در مواردی که تامین نیاز کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی از طریق سایر تسهیلات امکان پذیر نباشد
 - ۴- ایجاد تسهیلات برای اشخاصی که در بخش کشاورزی به فعالیت اشتغال دارند و به علت بروز عوامل نامساعد طبیعی، چون سیل، زلزله، یخ‌بندان، گرما، آفات نباتی و سایر موارد اضطراری مشابه دچار ضرر و زیان شده‌اند.
- بندهای الف و ب فوق ناظر بر بندهای ۲ و ۹ از اصل چهل و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

ج- رفع احتیاجات اشخاص حقیقی در موارد زیر:

- ۱- هزینه ازدواج
- ۲- تهیه جهیزیه
- ۳- درمان بیماری
- ۴- تعمیر و تامین مسکن
- ۵- کمک هزینه تحصیلی
- ۶- کمک برای ایجاد مسکن در روستاها
- ۷- متفرقه
- ۸- خود اشتغالی
- ۹- تامین دیه زندانیان غیر عمد (جمشیدی، ۱۳۹۱، ص ۸۶)

حد مجاز قرض الحسنه

حد مجاز جمعی: منظور از حد مجاز جمعی، مجموع تسهیلاتی است که هر یک از بانک‌ها مجاز می‌باشند در قالب یک یا ترکیبی از تسهیلات در مجموع اعطا کنند. در حال حاضر حداکثر مجموع قرض الحسنه اعطایی توسط بانک‌ها، ده درصد مجموع کل تسهیلات اعطایی در آن سال تعیین گردیده است. مشروط بر آن که از جمع کل سپرده‌های پس انداز قرض الحسنه تجاوز نکنند. در ضمن بیش‌ترین سقف تسهیلات اعطایی قرض الحسنه برای رفع نیازهای ضروری اشخاص حقیقی نباید از ۲۵ درصد کل تسهیلات قرض الحسنه بیش‌تر گردد.

حد مجاز فردی: منظور از حد مجاز فردی، میزان تسهیلاتی است که بانک یا بانک‌ها در قالب

یک یا انواع تسهیلات می‌توانند در اختیار یک متقاضی قرار دهند که معمولاً از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین و به بانک‌ها ابلاغ می‌گردد (همان، ص ۸۷)

نحوه باز پرداخت قرض الحسنه

مدت تسهیلات اعطایی قرض الحسنه در مورد بندهای الف و ب یعنی تعاونی‌ها و کارگاه‌های تولیدی و کمک به ایجاد مسکن در روستاها از مورد ج حداکثر ۵ سال و در سایر موارد بند ج یعنی نیازهای شخصی، سه سال تعیین گردیده است. در خصوص دیه حداکثر ده سال است. وصول مبلغ قرض الحسنه می‌تواند به اقساط مساوی و یا نامساوی، متوالی و یا یک مرحله ای باشد. (همان، ص ۸۷)

کارمزد تسهیلات قرض الحسنه

کارمزد و یا دستمزد واژه فارسی است و معادل آن در عربی کلمات (حق الزحمه)، (حق الثبت)، (حق العمل)، عموله و ... می‌باشد. این واژه در کتب فقهی بیشتر با تعبیر اجرت بیان شده است. کتاب‌های لغت، اجرت را به معنی جزاء عمل (پاداش کار) (واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۲) و حق‌الکرایه (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۷۶) بیان کرده‌اند و در اصطلاح فقها، اجرت به عوضی گفته می‌شود که مستأجر در قبال استفاده از منفعت مال یا کار به موجر یا اجیر می‌پردازد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۴۷). در تسهیلات قرض الحسنه، بانک به دنبال دریافت مبلغی اضافه نمی‌باشد. زیرا در غیر این صورت جنبه ربا پیدا می‌کند و حرام می‌باشد. در ماده ۱۷ آیین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا پیش بینی گردیده است: هزینه‌های پرداخت قرض الحسنه در هر مورد بر اساس دستور العمل‌های مربوط، محاسبه و از قرض گیرنده دریافت شود و در حال حاضر، حداکثر ۲.۵ درصد و حداکثر ۴ درصد در سال تعیین شده است. اما مشروط بر این است که از هزینه‌های تجهیز منابع اعطای قرض الحسنه و نیز هزینه‌های اعطای آن تجاوز ننماید. (جمشیدی، ۱۳۹۱، ص ۸۷)

نحوه محاسبه کارمزد وام‌های قرض الحسنه پرداختی بانک‌ها

با توجه به دستورالعمل شورای پول و اعتبار، روش محاسبه کارمزد دریافتی از وام‌های قرض الحسنه با استفاده از روش زیر صورت می‌گیرد:

$$\text{میزان اعطاء بدو سال} \times \text{تعداد ماه سال} \times \text{کارمزد} = \frac{12 \times 100}{\text{مانده قرض الحسنه اعطایی} \times \text{تعداد ماه سال}} \times \text{کارمزد} \times \text{تعداد ماه سال} = \text{محاسبه کارمزد در سررسید سال بعد}$$

البته در سال ۱۳۸۸ روش فوق تغییر نمود و به منظور تقسیم و وصول مبلغ قرض الحسنه

اعطایی سال‌های دوره بازپرداخت قرض‌الحسنه به جای دوازده ماه، یازده ماه در نظر گرفته شد. به این صورت که در هر سال یک قسط برای وصول کارمزد اختصاص می‌یافت اما در سال ۹۳ مجدداً روش محاسبه کارمزد به حالت قبل برگشت.^۱

مطالعات پیشین

علی‌رغم نیاز قشر وسیعی از جامعه به دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه و اهمیت فقهی و اقتصادی موضوع اخذ کارمزد از تسهیلات قرض‌الحسنه، تنها به بعد فقهی اخذ کارمزد از تسهیلات قرض‌الحسنه پرداخته شده است و بر بعد اقتصادی آن تحقیقات محدودی صورت گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

فدایی خوراسگانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی کارمزد تسهیلات مالی با عقود اسلامی تسهیلات اعطایی در دانشگاه آزاد اسلامی را بررسی کرده است. از آن جایی که تسهیلات مسکن، ازدواج، وام تحصیلی و ضروری از طریق عقد قرض‌الحسنه واقع می‌شود در بخشی از این مقاله، بحث کارمزد تسهیلات فوق را به میان آورده است و محاسبه کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه براساس تعداد اقساط، روش مناسبی برای جایگزینی شیوه‌ی فعلی دانسته است. او نیز هیچ استدلال فقهی برای جواز اخذ کارمزد از تسهیلات قرض‌الحسنه ارایه نکرده است.

ملا کریمی خوزانی (۱۳۹۰) در از مقاله‌ای با عنوان "بررسی فقهی اخذ کارمزد و ارائه تسهیلات به شرط سپرده‌گذاری در صندوق‌های قرض‌الحسنه" به جمع‌آوری آرای پاره‌ای از فقیهان شیعه در باب جواز یا حرمت دریافت کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه پرداخته است و استدلال فقهی برای جواز اخذ کارمزد از تسهیلات قرض‌الحسنه ارایه نکرده است.

بیدار (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی"، تأمین مخارج قرض‌الحسنه‌ها از بیت‌المال و اختصاص بخشی از منابع قرض‌الحسنه به سرمایه‌گذاری و چگونگی محاسبه کارمزد واقعی را پیشنهاد کرده است. شیوه‌ی فعلی اخذ کارمزد از تسهیلات قرض‌الحسنه را جایز ندانسته است. ادله‌ی او به قرار زیر بوده است. در شیوه‌ی فعلی اخذ کارمزد از تسهیلات قرض‌الحسنه، مبلغ کارمزد تابعی از مقدار وام است و مقدار کارمزد در شرایط مختلف اقتصادی یکسان است و از کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه، جوایز قرض‌الحسنه داده می‌شود. سپس پیشنهاد کرده است که مخارج قرض‌الحسنه با روش‌های زیر تأمین مالی شود: ۱- بیت المال ۲- اختصاص بخشی از منابع قرض‌الحسنه به سرمایه‌گذاری و تأمین مخارج قرض‌الحسنه از سود

۱. مفاد تصویب نامه یکهزار و یکصد و چهارمین جلسه مورخ ۱۳۸۸/۰۸/۱۲ شورای پول و اعتبار موضوع ابلاغیه ۲۳۳۲۹۴ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۶ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - اداره مطالعات و مقررات بانکی.

حاصل از آن سرمایه‌گذاری ۳- محاسبه کارمزد واقعی مخارج قرض الحسنه و اخذ آن از قرض گیرنده. او هیچ گونه استدلال فقهی برای جواز اخذ کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه اقامه نکرده است و تنها به ذکر آراء فقیهان شیعه در باره جواز و عدم جواز اخذ کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه اشاره کرده است.

بیان مسئله فقهی کارمزد وام های قرض الحسنه از نظر فقیهان شیعه:

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آراء فقیهان شیعه را به دو دسته موافق و مخالف دریافت کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه تقسیم کرد:

۱- موافقین دریافت کارمزد(جواز)

امام خمینی: "چیزی را که صندوق‌های قرض الحسنه به عنوان کارمزد و حق الزحمه در برابر خدماتی که برای نگهداری حساب اقساط و امثال این امور می‌گیرند اشکالی ندارد ولی احتیاط واجب آن است که این مبلغ متناسب با زحمات و هزینه‌های بانک باشد نه این که همان سود را به نام کارمزد بگیرند" (خمینی، ص ۹۱۶). "... بهره‌ی پول، حرام است گرچه به اسم کارمزد گرفته شود، ولی اگر آن چه گرفته می‌شود جدا کارمزد و به مقدار متعارف باشد و با توافق طرفین باشد اشکال ندارد. ربا به هر صورت و اسم حرام است ولی مزد کار به نحوی که عقلایی باشد و طرفین توافق نمایند اشکال ندارد" (خمینی، ج ۲، ص ۲۹۷)

آیت الله مکارم شیرازی: «منظور از کارمزد، حق الزحمه‌ای است که به کارمند بانک یا صندوق قرض الحسنه و مانند آن به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که جهت حفظ حساب‌ها و سایر خدمات انجام می‌دهند داده می‌شود و چنانچه مبلغ اضافی به همین نیت گرفته شود و صرف حقوق کارمندان و هزینه‌های جاری شود مانعی ندارد (مکارم شیرازی، ناصر، ۴۲۷، ج ۳، ص ۵۰۴).

حضرت امام خامنه‌ای: معتقد هستید که اگر کارمزد دریافتی از وام‌های قرض الحسنه به عنوان اجرت عمل قرض دادن از قبیل ثبت در دفتر و ثبت سند و سایر مخارج صندوق مانند آب و برق و غیره باشد و به سود وام بازگشت نکند، دادن و گرفتن آن و همچنین دریافت وام اشکالی ندارد. (استفتائات جدید (۱)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ص ۶۷، مبحث وام و معاملات بانکی).

آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز در رابطه با اخذ کارمزد جهت تأمین مخارج صندوق‌های قرض الحسنه مثل حقوق کارمندان، اجاره ساختمان و ... فرموده اند «پولی که برای امور مذکور با رضایت وام‌گیرندگان دریافت می‌شود منعی ندارد و دارای مشروعیت است» البته ایشان دریافت کارمزد را برای صندوق‌های قرض الحسنه‌ای که کارمند ندارند و خود صاحبان وجوه، تمامی کارهای مربوط به

وام‌دهی را انجام می‌دهند، دارای اشکال می‌داند (لنکرانی و موحدی، جلد ۱، ص ۲۷۲).
 آیت‌الله العظمی مظاهری: معتقد هستند سپرده‌های کوتاه مدت و دراز مدت در بانک‌ها و سودی که بانک به آن می‌دهد اگر مطابق موازین شرعی باشد از قبیل مضاربه و شرکت و امثال آن حلال است، ولی اگر یقین دارد که این امور جنبه ظاهری و صوری دارد آن سود حرام است و آنچه اشخاص از بانک‌ها می‌گیرند اگر به عنوان قرض‌الحسنه باشد مانعی ندارد و اضافه‌ای که به بانک‌ها می‌پردازند اگر مطابق موازین شرعی باشد، از قبیل کارمزد، شرکت و یا مضاربه، حلال است و اگر یقین دارد که این امور جنبه ظاهری و صوری دارد گرفتن پول از بانک حرام است و سودی که می‌دهد نیز حرام است و آنچه را که بانک‌ها یا صندوق‌های قرض‌الحسنه به عنوان کارمزد و حق‌الزحمه می‌گیرند، اگر متناسب با زحمات باشد اشکال ندارد ولی اگر این همان سود پول است که به نام کارمزد می‌گیرند برای گیرنده و دهنده حرام است و اگر کسی مقداری پول از بانک یا غیربانک به عنوان قرض‌الحسنه برای مدت معینی بگیرد و در ضمن عقد شرط کند که اگر در آن مدت معین پول را نپرداخت هر روزی هزار تومان مثلاً به عنوان دیرکرد بپردازد، آن قرض و آن شرط اشکال ندارد (پایگاه اطلاع رسانی آیت‌الله مظاهری، مساله کارمزد وام)

۲- مخالفین در یافت کارمزد (حرمت)

آیت‌الله العظمی بهجت معتقد هستند وام گرفتن از بانک در صورتی که در آن شرط سود شده باشد، جایز نیست و ربا و حرام است. هم‌چنین آیت‌الله بهجت در پاسخ به سوالی در رابطه با حکم اخذ کارمزد به مقدار یک تا پنج درصد مبلغ وام توسط برخی از صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌فرماید: «این همان رباست (بهجت، ۱۴۲۸ ق، ج ۳، ص ۱۸۹) بنابراین ایشان معتقد هستند اگر برای وام قرض‌الحسنه سودی دریافت شود، هر چند به نام کارمزد و به در صد کم باشد، گرفتن این وام جایز نیست خواه این وام از بانک دولتی و یا بانک خصوصی باشد یا مؤسسات قرض‌الحسنه و اگر در گذشته از این وام‌ها استفاده کرده‌اند و حکم آن را نمی‌دانسته‌اند اشکال ندارد.

آیت‌الله العظمی سیستانی معتقد هستند گرفتن وام با بهره حرام است و فرقی بین وام بانکی و غیربانکی نیست قرض گرفتن از بانک‌های دولتی، به شرط پرداخت سود، جایز نیست؛ زیرا ربا است و در آن تفاوتی میان گذاشتن رهن و نگذاشتن آن نیست، و اگر کسی با این شرط از بانک دولتی قرض کند، قرض و شرط آن، هر دو باطل است، زیرا بانک مالک اموال خود نیست تا آن‌ها را به تملیک قرض‌گیرنده درآورد.

آیت‌الله صافی گلپایگانی (مدظله) معتقد هستند اگر بانک‌ها مطابق قانون بانکداری بدون ربا عمل کنند، وام آن‌ها ربوی نمی‌شود؛ به‌طور کلی گرفتن اضافه از گیرندگان وام و لو به عنوان کارمزد جایز

نیست «اگر وجهی را که صندوق مدهد ملک صندوق یا مشترک بین صندوق و اشخاص باشد شرط مذکور به نفع صندوق و در حکم زیاده و ربا و حرام است» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۰۲).
 آیت الله تبریزی معتقد هستند «گرفتن زیادتر از مقدار قرض داده شده به عنوان کارمزد صحیح نیست چون کارمندان که در صندوق کار می کنند اجیر سهام داران صندوق هستند و در ذمه آنها مالک اجرت می شوند و دیگر نمی توانند اجیر برای قرض گیرندگان شوند و در ازای آن اجرت بگیرند. بنابراین آنچه به عنوان کارمزد گرفته می شود در واقع زیادی است که به ملک صاحبان سهام وارد می شود که آن را صرف در مخارج صندوق از قبیل پرداخت حقوق کارمندان و مثل آن کرده و بقیه را برای خود برمی دارد و این شرط زیادی در قرض است و موجب آن می شود که قرض مزبور ربوی و حرام می شود» (تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۱).

با توجه به مطالب فوق فقیهانی که اخذ کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه را حرام می دانند دو دلیل بر حرمت کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه اقامه کرده اند:

اولاً: چون وجوهی که قرض داده می شود، ملک صندوق یا مشترک بین صندوق و اشخاص است، شرط پرداخت کارمزد، به نفع صندوق بوده و داخل در عنوان «جرّ منفعت» می باشد و چنین چیزی موجب ربوی شدن قرض می گردد.

ثانیاً: کارمندانی که در صندوق کار می کنند، اجیر سهام داران صندوق هستند و پرداخت حق الزحمه آنها برعهده صندوق می باشد. بنابراین، دیگر نمی توانند اجیر برای قرض گیرندگان شده و در ازای آن اجرت بگیرند. پس آنچه که به عنوان کارمزد گرفته می شود، در واقع زیاده ای است که به ملک صاحبان سهام وارد می شود که آن را صرف در مخارج صندوق، از قبیل پرداخت حقوق کارمندان و مانند آن نموده و بقیه را برای خود برمی دارند. این شرط زیادی در قرض است که موجب ربوی بودن آن می شود.

در این پژوهش با قبول دیدگاه اول، استدلال فقهی، بر جواز اخذ کارمزد بر تسهیلات قرض الحسنه به شرح زیر بیان می شود:

۱-عموم اطلاقات قرض الحسنه

عموم اطلاقات جواز قرض الحسنه دلالتی بر حرمت اخذ کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه ندارد. زیرا قرض در اصطلاح فقها به (انشاء تملیک عین یا ضمانت عین یا مثل آن) تعریف شده است (مشکینی و بی تا، ص ۴۲۳). قرض، تملیک مال فرد دیگر به همراه ضمانت است بدین معنا که قرض گیرنده متعهد پرداخت مثل و یا قیمت آن است. به تملیک کننده (قرض دهنده) مقرض و به کسی که به او تملیک گردیده است (قرض گیرنده) مقترض یا مستقرض اطلاق می شود (موسوی خمینی، ۱۴۰۶ق،

ص ۵۵۹). دومین واژه کلمه (حسنه) است که به معنای زیبا و نیکو می‌باشد بنابراین معنای لغوی قرض‌الحسنه این است که انسان مقداری از دارایی خود را به نحو نیکو و شایسته به دیگری وام بدهد و مراد از وام دادن به نحو نیکو در اسلام این است که انسان مقداری از مال حلال خود را با نیت خالص برای مصرف در امور حلال در اختیار برادر دینی خود قرار دهد. بنابراین در این تعریف و نیز در تعاریف دیگر از قرض‌الحسنه صرفاً تأکید بر این امر نیکو و حرمت از اخذ مازادی بر قرض که شرط شده باشد، است و هرگز در خصوص حرمت اخذ کارمزد و هزینه‌ی فراهم آوردن قرض توسط واسطه‌ای که این وجه را تهیه کرده است سخنی نیامده است. بنابراین حداکثر این است که شک می‌کنیم آیا واسطه‌ای که وجوه قرض‌الحسنه را تدارک دیده است (بانک) برای این تدارک وجوه، حق الزحمه‌ای از گیرنده‌ی قرض‌الحسنه اخذ کند، آیا این حق الزحمه بابت تدارک قرض‌الحسنه حرمت شرعی دارد؟ اقتضای اصل برائت آن است که باید اصل را بر جواز بگذاریم مگر اینکه دلیلی بر حرمت داشته باشیم که هیچ دلیلی بر حرمت اخذ کارمزد وجود ندارد.

۲- عموم اطلاقات بر حرمت ربا

عموم اطلاقات حرمت ربا دلالتی بر حرمت اخذ کارمزد از تسهیلات قرض‌الحسنه ندارد. زیرا: ربا یا «ربوا» در لغت به معنای زیاده است. در اصطلاح فقهاء معمولاً ربا چنین تعریف شده است: معاوضه مالی به مالی دیگر که این دو اولاً هم جنس باشند ثانیاً با کیل یا وزن اندازه‌گیری شوند یا قرض دادن به شرط زیاده^۱ قید معاوضه ذکر شده است تا شامل همه مبادلات و معاوضات بشود و اعم از بیع باشد حتی صلح و هبه معاوضه را نیز در بر می‌گیرد.

در قرآن کریم در خصوص حرمت ربا بیان می‌شود که: و آن سودی که شما به رسم ربا دادید که بر اموال مردم ربا خوار بیفزائید نزد خدا هرگز نیفزاید^۲. هم‌چنین در آیه دیگر می‌فرماید: خداوند ربا را بی‌برکت نموده و خداوند صدقات و نظیر آن را نمو و زیادتی داده است، خداوند دوست ندارد مردم سخت بی‌ایمان گنه پیشه را^۳ و در حدیثی از رسول اکرم (ص) به علی (ع) در خصوص حرمت ربا سفارش می‌شود: «ای علی! ربا، هفتاد کیفر دارد که آسان‌ترین آن، مانند آن است که مرد با مادرش در خانه خدا زنا کند^۴.

با توجه به آیات و روایات همواره اخذ ربا در اسلام امری مذموم بوده و مورد نکوهش واقع شده است و حرام است و شرط اضافی در مال قرض داده شده باطل بوده و فعلی حرام معرفی شده است

۱. النجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۲۳، ص ۳۳۶.

۲. وَ مَا اتَّيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيَرْبُوا فِيْ اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوْا عِنْدَ اللّٰهِ... (سوره روم آیه ۳۹).

۳. يَمْحَقُ اللّٰهُ الرِّبْوَا وَ يُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ اْتِيْمٍ. (سوره بقره آیه ۲۷۶).

۴. یا علی! الرِّبَا سَبْعُوْنَ جِزاً فَاُیْسِرُهَا مِثْلَ اَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ اُمَّهُ فِيْ بَيْتِ اللّٰهِ الْحَرَامِ.».

در این تعریف از ربا وهم‌چنین در تعاریف دیگر نیز، بیانی در خصوص اخذ کارمزد و یا حرمت دریافت آن در خصوص حساب‌های قرض‌الحسنه توسط واسطه‌ای که این وجه را تهیه کرده، صورت نگرفته است. اطلاعات ادله حرمت ربا، شامل کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه نمی‌شود. زیرا قرض ربوی، قرضی است که نفعی را برای قرض‌دهنده ایجاد کند و آن نفع شرط شده باشد. اگر قرض گیرنده بابت قرض، هدیه‌ای را به دلخواه خود به قرض‌دهنده بدهد آن هدیه ربا نیست و آن هدیه، قرض را ربوی نمی‌کند (موسویان، ۱۳۸۷، ص ۹۲). بنابراین آشکار است که کارمزدی که بانک بابت تسهیلات قرض‌الحسنه می‌گیرد، نفع نیست تا مشمول اطلاعات حرمت ربا شود بلکه هزینه‌ی انجام فرایند تسهیلات قرض‌الحسنه است و لذا کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه ربا نیست.

۳- اجرای قاعده شرطیت

می‌توان در مورد جواز اخذ کارمزد بر تسهیلات قرض‌الحسنه بر قاعده‌ی شرطیت استناد کرد. بر طبق قاعده شرطیت (المؤمنون عند شروطهم)، مؤمنان باید به شروطی که در معاملات تعهد می‌کنند، وفادار باشند و در حد امکان و توان در تحقق آن بکوشند؛ هر شرطی که طرفین معامله بکنند جایز است مگر اینکه صریحاً عدم جواز آن را شارع بیان کرده باشد. اگر شخصی از شما درخواست وجهی به صورت قرض‌الحسنه را داشته باشد و شما به آن شخص بگویید که این وجه را در اختیار تو قرار می‌دهم به شرط آنکه هزینه ایاب و ذهاب رفتن به بانک را پرداخت کنی این شرط، شرطی جایز بوده و منع شرعی ندارد چرا که نوعی شرط ضمن عقد است که عدم جوازش تصریح نشده است لذا فرد می‌تواند قرض‌الحسنه دهد و شرط نماید که هزینه‌های جابه‌جایی و ایاب و ذهاب توسط قرض‌گیرنده پرداخت شود. حال می‌توان قاعده شرطیت را در مورد اخذ کارمزد بر تسهیلات قرض‌الحسنه را نیز اجرا کرد. در خصوص اخذ کارمزد بر تسهیلات قرض‌الحسنه که بانک‌ها پرداخت می‌نمایند حتی خود شخص قرض‌دهنده شرطی را برای پرداخت قرض بیان نکرده است. بلکه بانک شرط می‌نماید که برای جبران هزینه‌های جمع‌آوری وجوه قرض‌الحسنه و عملیات مربوط به نقل و انتقال وجوه، مبلغی را به عنوان کارمزد از قرض‌گیرنده دریافت نماید بنابراین همانند توضیح قبل، از آن‌جا که این نوع شرط، با غرضی عقلایی بیان گردیده و هم‌چنین عدم جوازش بیان نشده است منع شرعی ندارد و از جمله شروط جایز می‌باشد و منع شرعی ندارد و بنابر قاعده‌ی شرطیت، اخذ کارمزد بر تسهیلات قرض‌الحسنه جایز است. زیرا این شرط را شارع صریحاً منع نکرده است و هر شرطی که شارع آن را صریحاً منع نکرده باشد، یک شرط جایز است و منع شرعی ندارد. اما در خصوص چگونگی تعیین مبلغ کارمزد باید قاعده انصاف رعایت شود. از آن‌جا که

۱. حسینی مراغی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۲۷۶؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق: ج ۳، ص ۲۵۱.

مسلمین در مناسبات خود قاعده انصاف را «به معنای مد نظر قراردادن شرایط و اوضاع و احوال قضیه و دخیل کردن آن‌ها در دادن رای مقتضی^۱» رعایت می‌نمایند لذا تعیین مبلغ کارمزد تسهیلات قرض الحسنه باید بر اساس قاعده‌ی انصاف باشد.

۴- فهم عرفی

می‌توان برای جواز شرعی اخذ کارمزد بر فهم عرفی متشرعه استناد کرد. بنابر درک متشرعه کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه، ربا نیست. متشرعه کارمزد بر تسهیلات قرض الحسنه را حق الزحمه‌ی بانک در قبال تدارک وجوه قرض الحسنه می‌داند و آن را مصداق ربا نمی‌داند. اگر در موردی شک کنیم که امری مصداق ربا است یا خیر باید به فهم متشرعه رجوع کنیم و فهم متشرعه این است که اخذ کارمزد بر تسهیلات قرض الحسنه ربا نیست و لذا اخذ کارمزد بر تسهیلات قرض الحسنه حرمت شرعی ندارد.

مدل پیشنهادی اخذ کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه

با توجه به ادله‌ی دو دیدگاه فقهی در باب اخذ کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه، به نظر می‌رسد که دیدگاه اول یعنی جواز اخذ کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه منطقی‌تر است و مدل زیر را برای اخذ کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه را پیشنهاد می‌کنیم:

۱- پرداخت بخشی از هزینه حق‌الثبت عملیات بانکی از منابع بیت‌المال و بخشی از آن از قرض‌گیرنده.

۲- برنامه‌ریزی دولت و بانک مرکزی برای کنترل نرخ تورم با استفاده از سیاست‌های مالی و پولی مناسب.

مورد اول:

از آن‌جا که هدف از ارائه تسهیلات قرض الحسنه حمایت از افراد نیازمند متقاضی وجوه می‌باشد و قرض‌گیرنده فرد نیازمندی است که برای تأمین معاش خود تقاضای قرض کرده است تحمیل کل کارمزد تسهیلات قرض الحسنه بر او چندان با اهداف از قرض الحسنه سازگاری ندارد. هدف از قرض الحسنه کاهش فشار فقر است و تحمیل کل کارمزد تسهیلات قرض الحسنه بر قرض‌گیرنده نقض غرض است. می‌توان به همان شباهتی که «بخشی از درآمدهای دریافت زکات را صرف هزینه‌های اجرایی جمع‌آوری آن می‌شود» بخشی از هزینه‌های حق‌الثبت ناشی از عملیات بانکی تسهیلات قرض الحسنه را از منابع بیت‌المال تأمین کرد؛ که البته این روش با اهداف عدالت اجتماعی، اقتصادی و کمک به قشر نیازمند در

۱. مظاهری معصومه، آل اسحق خوبینی زهرا (۱۳۹۱)، قاعده فقهی، حقوقی انصاف، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی.

حکومت اسلامی نیز هم‌خوانی دارد و بخشی دیگر هزینه‌های حق ثبت را از قرض‌گیرنده دریافت شود. در خصوص نحوه‌ی تناسب هزینه حق‌الثبت، بین کارمزد دریافتی و منابع بیت‌المال نیز می‌توان نسبتی متغیر را با توجه به مبلغ تسهیلات در نظر گرفت.

مورد دوم

نظارت همه‌جانبه دولت و بانک مرکزی در کنترل تورم و اتخاذ سیاست‌های مالی و پولی مناسب تحقق آن؛ دولت باید تمام تلاش خود برای مهار تورم انجام دهد تا انگیزه‌ی قرض‌دهندگان کاهش نیابد. زیرا اگر نرخ تورم زیاد باشد افراد انگیزه‌ی خود را از دست می‌دهند که سپرده‌ی خود را به دیگران قرض دهند و ترجیح می‌دهند آن را در حساب‌های دیگر بگذارند در نتیجه منابع بانک برای اعطای قرض الحسنه به دیگران کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت قانون بانکداری بدون ربا، به عنوان اصلی بنیادی در نظام بانکداری و عملیات بانکی و جایگاه ویژه عقود قرض الحسنه به جهت گستردگی در کاربرد و همچنین دارا بودن آثار دنیوی، اخروی و تاکیدات فراوان آیات و روایات برای انجام و گسترش آن در این مقاله تلاش گردید ضمن بیان اهمیت قرض الحسنه در آیات و روایات، ابعاد فقهی آن مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به دو دیدگاه موافق و مخالف در خصوص اخذ کارمزد رأی موافقان اخذ کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه را با استدلال فقهی تقویت کردیم. روش ارائه شده در این نوشتار بر محور دو قاعده شرطیت و انصاف قرار دارد به این صورت که اگر بانک با توجه به قاعده شرطیت شرط نماید که برای جبران هزینه‌های جمع‌آوری و ارائه خدمات بانکی به عقود قرض الحسنه وجهی را به عنوان کارمزد و حق‌العامل از قرض‌گیرنده دریافت نماید از آن‌جا که این شرط، با غرضی عقلایی بیان شده است و عدم جواز آن نیز تصریح نگردیده منع شرعی ندارد و در خصوص نحوه‌ی تعیین کارمزد نیز بر اساس قاعده انصاف بانک آن مقدار هزینه‌های واقعی را که برای این عقود صرف کرده را در نظر باید بگیرد و به اندازه عرف جامعه این مبلغ را تعیین کند و سپس مدلی برای چگونگی اخذ کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه را پیشنهاد کردیم.

منابع و مأخذ

- بهجت، محمد تقی (۱۴۲۸ق) استفتائات جدید، دفتر آیت الله بهجت.
- تبریزی، جواد(بی تا)، استفتائات جدید، قم، بی نا.
- جمشیدی، سعید، بانکداری اسلامی، انتشارات گپ، ۱۳۹۱.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مذهب اهل بیت، قم، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق) الصحاح - تاج اللغه و صحاح العربیه، بیروت، دارالعلم للملایین.
- خرازی، محسن (۱۳۸۴) پژوهشی در اقسام بانک و احکام آن، فقه اهل بیت، ش ۴۳، ص ۳-۵۳.
- شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقابها، ص ۴۱۴، شریف رضی، قم، ۱۳۶۴ش.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۷ق) جامع الاحکام، چ چهارم، قم، حضرت معصومه.
- طریحی، فخرالدین(۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، چ سوم، تهران، کتاب فروشی مرتضوی.
- فدایی خوراسگانی، مهدی (۱۳۸۴) بررسی کارمزد تسهیلات با عقود اسلامی، اقتصاد اسلامی، ش ۲۰، ص ۱۳۷-۱۵۸.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، چ دوم، قم، هجرت.
- قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وب سایت بانک مرکزی.
- قرآن کریم
- محقق نیا، محمد جواد، «بررسی جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران» معرفت اقتصادی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۴۱ - ۱۶۲.
- مشکینی، علی (بی تا)، مصطلحات الفقه، بی جا، بی نت.
- معراج السعاده، تألیف مال احمد نراقی (ره) چاپ دوم، تیر ماه، ۱۳۶۲، انتشارات رشیدی.
- مکارم شیرازی، ناصر(۱۴۲۷ق) استفتائات جدید، چ ۲، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- ملاکریمی خوزانی، فرشته (۱۳۹۰) بررسی فقهی اخذ کارمزد و ارائه تسهیلات به شرط سپرده گذاری در صندوق های قرض الحسنه، تازه های اقتصاد، ش ۱۳۲، ص ۶۲-۶۵.
- منابع مالی اهل بیت علیهم السلام، علیدوست، خراسانی، نور الله، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
- موحدی فاضل لنکرانی، محمد (بی تا) جامع المسائل، چ یازدهم، قم امیر قلم.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۰۶ق)، تحریر الوسیله ج ۲، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، - (۱۴۲۲ق)، استفتائات جدید ج ۲، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- موسویان، سید عباس و فیروزآبادی، محمد، بانکداری در آئینه شریعت، انتشارات وثوق، ۱۳۸۷.
- واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق) تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر.
- وسائل الشیعه، حر عاملی محمد بن حسن، تحقیق موسسه آل البیت، قم، چاپ اول ۱۴۱۱ه.
- هدایتی، علی اصغر، عملیات بانکی ۲، موسسه بانکداری اسلامی، ۱۳۷۰.